



ضرورت پایان حصر
دیدار مهدی کروبی و سیدهادی خامنه‌ای



سرآغاز حکمت
نکوداشت پرویز ضیاء شهبابی



درام نئورئالیستی
نقد فیلم مراقب



ترمز دلار
آیا روند صعودی نرخ ارز متوقف می‌شود؟

پرونده ایران در شورای حکام

پیشنهاد گروسی برای همکاری با تهران



سرمقاله

انسجام اجتماعی؛

قاعده‌ای برای حکمرانی

حفظ اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، مسئولیت مشترک همه ارکان حاکمیت است



محمد عطریان‌فر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

تأکید همدلانه و راهگشای رهبری بر «انسجام اجتماعی» و توجه مسئولانه ایشان به این گزاره مهم و مورد نیاز زمانه ما در کنار قدرشناسی از رئیس‌جمهور خدوم و تلاشگر، اعضای دولت و همه زحمت‌کشان نهاد خدمت، نشان می‌دهد که موضوع «انسجام اجتماعی» فقط توصیه اخلاقی نیست و باید به‌عنوان معیاری برای سنجش پیامدهای سیاستگذاری در عرصه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد.

«پیوست انسجام اجتماعی» یعنی یکپارگی مسئولان و نهادهای مرجع سیاسی، احزاب، روشنفکران، اندیشمندان و کلیه کسانی که به نحوی از انحاء مرجعیت اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی دارند، موظفند برای اتخاذ هر تصمیم مهم، پیش از اجرا، علاوه بر بررسی‌های اقتصادی، حقوقی و فنی از منظر آثار آن بر اعتماد، آرامش و همبستگی مردم نهایت دقت و توجه را به عمل آورند و اثربخشی مثبت آن را نزد مردم به دقت بسنجند.

سیاستگذار باید از خود پرسد، این تصمیم چه گروه‌هایی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؟ آیا احساس تبعیض و بی‌عدالتی ایجاد می‌کند یا احساس مشارکت و تعلق به جامعه را افزایش می‌دهد؟ آیا میان مردم و حاکمیت فاصله می‌اندازد یا زمینه گفت‌وگو و تفاهم را نزد آنها تقویت می‌کند؟

انسجام اجتماعی به‌معنای اتخاذ تصمیم‌های سنجیده، زمان‌شناسانه و کم‌هزینه برای جامعه است. ممکن است یک اقدام از نظر قانونی درست باشد اما اگر شیوه اجرا، زبان گفت‌وگو و زمان‌بندی آن مناسب نباشد، هزینه اجتماعی سنگینی را تولید کند.

پیوست مدنظر رهبری در واقع شامل گفت‌وگو با گروه‌های اجتماعی و ارزیابی آثار تصمیم است که با اطلاع‌رسانی شفاف و توجه‌دهی به افکار عمومی و پیش‌بینی پیامدهای ناخواسته باید همراه باشد. هیچ سیاستی نباید بدون توجه به حفظ سرمایه اجتماعی و وحدت ملی اجرا شود. قدرت واقعی کشور بی‌تردید در پیوند میان مردم و حاکمیت نهفته است. تأکید رهبری در این روزگار بر انسجام اجتماعی را باید با توجه به شرایط پیچیده کشور فهمید. ایران در سال‌های اخیر هم‌زمان با فشار تحریم‌ها و تحولات منطقه‌ای و تهدیدهای خارجی همچنین با افزایش مطالبات و شکاف‌های اجتماعی نیز روبه‌رو بوده است. در چنین شرایطی، بزرگ‌ترین سرمایه کشور، احساس مشترک شهروندان آن نسبت به سرنوشت خویش و اعتمادشان به امکان حل مشکلات از مسیرهای قانونی و عقلانی است.

در شرایط عادی شاید بتوان هزینه یک تصمیم اشتباه را با اصلاحات بعدی جبران کرد؛ اما در شرایط حساس تصمیمی که موجب تشدید دوگانگی و بی‌اعتمادی شود، می‌تواند آثار ناموجه و گسترده‌تری داشته باشد. از این منظر تأکید بر انسجام اجتماعی، نشانه درک اهمیت «جهه داخلی» در کنار سایر عرصه‌های قدرت ملی است. تأکید رهبری بی‌تردید، دعوتی به شنیدن صداها و مختلف و پرهیز از تصمیم‌هایی است که شکاف‌های موجود را عمیق‌تر می‌کند.

در یکی دو سال اخیر نمونه‌های متعددی وجود داشته که نشان می‌دهد، تصمیم‌گیری بدون توجه کافی به آثار اجتماعی می‌تواند حتی یک اقدام قابل دفاع را به مسئله‌ای پرهزینه تبدیل کند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها برخی برخوردهای غلط فرهنگی و اجتماعی است که به‌جای گفت‌وگو، اقناع و تدریج، گاه با رویکردهای دستوری و تقابلی همراه شده است.

ادامه در صفحه ۲

مذاکره می‌کنیم اما مرعوب نمی‌شویم

حسین طائب، رئیس سازمان بسیج با اشاره به رویکرد جمهوری اسلامی در قبال مذاکرات گفت:
ایران مذاکره می‌کند، اما مرعوب نمی‌شود. گفت‌وگو می‌کند، اما از اصول خود عبور نمی‌کند
این موضع، موضع یک دولت یا جریان سیاسی نیست
بلکه خواست ملتی است که بهای استقلال خود را با خون بهترین فرزندانش پرداخته است



گروه سیاسی: مذاکره برای ایران، آنگونه که

حجت‌الاسلام حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، ترسیم می‌کند، نه به‌معنای عقب‌نشینی است و نه پذیرفتن شروط طرف مقابل. او از موضعی سخن می‌گوید که در آن گفت‌وگو می‌تواند، ادامه پیدا کند اما اصول و حقوق کشور قرار نیست، پای میز مذاکره کنار گذاشته شود. بر همین اساس طائب تأکید می‌کند: «ایران مذاکره می‌کند اما مرعوب نمی‌شود؛ گفت‌وگو می‌کند اما از اصول خود عبور نمی‌کند». او این رویکرد را فراتر از تصمیم یک دولت یا جریان سیاسی دانسته و می‌گوید: «این موضع، موضع یک دولت یا جریان سیاسی نیست بلکه خواست ملتی است که بهای استقلال خود را با خون بهترین فرزندان‌ش پرداخته است». رئیس سازمان بسیج مستضعفین در ادامه، معیار پذیرش مذاکره را نیز روشن کرده و با بیان اینکه «آنچه به مذاکره معنا می‌دهد، نتیجه آن است»، تأکید می‌کند: «مذاکره‌ای که به تثبیت حقوق ملت ایران، تضمین حقوق جبهه مقاومت و حفظ عزت و منافع کشور منجر شود، قابل‌قبول است؛ اما مذاکره‌ای که به‌معنای چشم‌پوشی از حقوق ملت یا پذیرش زیاده‌خواهی دشمن باشد هیچ جایگاهی در سیاست ایران ندارد».

ادامه در صفحه ۲



سیاست

در دیدار مهدی کروی‌ی و سیدهادی خامنه‌ای مطرح شد:

ضرورت پایان حصر



گروه سیاسی: دیدار مهدی کروی‌ی و سیدهادی خامنه‌ای، پس از سال‌ها فاصله و محدودیت، به فرصتی برای مرور وضعیت امروز کشور؛ از فشارهای اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم تا بحران‌های سیاسی و اجتماعی و ضرورت بازگشت به گفت‌وگو تبدیل شد. این دیدار تنها یک گفت‌وگوی دوستانه میان دو چهره سیاسی و روحانی نبود؛ دو روحانی اصلاح‌طلب درباره شرایط داخلی و تحولات خارجی، وضعیت زندگی مردم و فشار سنگین هزینه‌ها و کمبودها، ضرورت حفظ انسجام داخلی و استفاده از همه ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی سخن گفتند و بر ضرورت پایان حصر میرحسین موسوی و زهرا رهنورد تأکید کردند.

در این گفت‌وگو که در منزل سیدهادی خامنه‌ای و با حضور اعضای خانواده مهدی کروی‌ی انجام شد، آخرین مسائل روز و تحولات داخلی و خارجی در کنار دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

کروی‌ی در این دیدار با یادآوری مبارزات و مجاهدت‌های مردم ایران برای دستیابی به آزادی، عدالت و حق تعیین سرنوشت، وضعیت امروز کشور را در همه حوزه‌ها «اسفبار و شرم‌آور» توصیف کرد. او شرایط کنونی را حاصل سیاست‌هایی دانست که به گفته او طی چند دهه از سوی حاکمیتی «بریده از مردم» دنبال شده است.

او با انتقاد از تداوم این رویکرد، مدعی شد که بی‌توجهی به منافع ملی و مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور همچنان ادامه دارد و در همین چارچوب به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد اشاره کرد و برهم خوردن آن را نیز به گفته خود، نتیجه نفوذ و تصمیم‌گیری‌هایی دانست که بدون توجه کافی به منافع کشور صورت گرفته است.

در ادامه این دیدار، سیدهادی خامنه‌ای نیز ضمن ابراز خرسندی از رفع حصر کروی‌ی، برای او آرزوی سلامتی و عزت روزافزون کرد. او محرومیت جامعه از حضور و دیدگاه‌های کروی‌ی طی سال‌های حصر را خسارتی برای کشور دانست و گفت که عدم دسترسی مردم و علاقه‌مندان به تجربه و نگاه او در این سال‌ها موجب خسران شده است.

سیدهادی خامنه‌ای در همین ارتباط ابراز امیدواری کرد که روند رفع محدودیت‌ها ادامه پیدا کند و هرچه زودتر شاهد پایان حصر میرحسین موسوی و زهرا رهنورد نیز باشیم. او موسوی و رهنورد را از سرمایه‌های جامعه خواند و غیبت آنان از عرصه حضور مؤثر اجتماعی را به زیان مردم و نظام دانست. بخش دیگری از این گفت‌وگو به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم اختصاص داشت. سیدهادی خامنه‌ای با تأکید بر فشار سنگین اقتصادی بر جامعه، مردم را مهم‌ترین پشتوانه نظام دانست و با اشاره به همراهی آنان در مقاطع مختلف، از جمله دو جنگ اخیر، تأکید کرد که شایسته نیست مردم در شرایط کنونی با شدیدترین فشارهای اقتصادی و انواع کمبودها مواجه باشند.

او در ادامه بر ضرورت حفظ انسجام داخلی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، فشارغ از گرایش‌ها و سلايق سیاسی، تأکید کرد و گفت‌وگو و تعامل بر محور منافع ملی را برای عبور از بحران‌های داخلی و بین‌المللی ضروری دانست.

در پایان این دیدار، کروی‌ی و سیدهادی خامنه‌ای با یادآوری خدمات میرحسین موسوی در دوران جنگ، بار دیگر خواستار پایان حصر او و همسرش، زهرا رهنورد، شدند؛ پایانی که از نگاه آنان می‌تواند، بخشی از مسیر بازگشت ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی کشور به عرصه عمومی باشد.

گروه سیاسی: مسئله از جایی شروع می‌شود که قرار است با مشکلات واقعی کشور مواجه شویم؛ آنجا که دیگر عنوان و گرایش و هم‌گروهی نمی‌تواند، جای توانایی را بگیرد. مسعود پزشکیان در مراسم افتتاح پروژه‌های وزارت ارتباطات از همین نقطه به ضرورت استفاده از نیروهای متخصص و تغییر نگاه به امکان حل مسائل کشور پرداخت؛ نگاهی که در مرکز آن یک گزاره ساده قرار داشت: «می‌شود».

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه اداره کشور نیازمند آدم‌هایی است که به امکان انجام کارها باور داشته باشند، گفت: «کسانی که می‌گویند، نمی‌شود نباید در میدان باشند؛ باید با آدم‌هایی کار کرد که باور دارند، می‌شود».

پزشکیان برای توضیح این نگاه به تجربه‌ای اشاره کرد که برای همه آشناست و گفت، وقتی پای سلامت در میان است کمتر کسی به‌دنبال هم‌عقیده و هم‌گروه خود می‌گردد. آنچه اهمیت پیدا می‌کند، تخصص و توانایی پزشک است. رئیس‌جمهور همین منطق را به دیگر حوزه‌های اداره کشور تعمیم داد و گفت: «علم و مهارت، مرزهای جناحی و گروهی را کنار می‌زند».

پزشکیان البته تأکید کرد که هر فرد می‌تواند، باور و اعتقاد خود را داشته باشد اما وقتی قرار است، کاری انجام شود باید آن را به‌دست کاردان و کارشناس سپرد. از نظر او دانستن تئوری با

ادامه تیتیریک

مذاکره می‌کنیم، اما مرعوب نمی‌شویم

معیار مذاکره، نتیجه آن است

حجت‌الاسلام حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، در جمع خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم در توضیح رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مذاکره گفت: «دشمن امروز به آتش‌بس پناه آورده و بار دیگر مسیر مذاکره را دنبال می‌کند اما ایران، مذاکره را نه از سر نیاز بلکه بر اساس منافع و حقوق ملت می‌پذیرد». این جمله، نقطه آغاز تصویری است که طائب از مذاکره ترسیم می‌کند؛ مذاکره نه به‌عنوان نشانه ضعف بلکه به‌عنوان ابزاری برای پیگیری منافع ملی. در این چارچوب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: «مذاکره ذاتاً نه خوب است و نه بد بلکه آنچه به مذاکره معنا می‌دهد، نتیجه آن است» و تصریح کرد: «مذاکره‌ای که به تثبیت حقوق ملت ایران، تضمین حقوق جبهه مقاومت و حفظ عزت و منافع کشور منجر شود، قابل قبول است؛ اما مذاکره‌ای که به‌معنای چشم‌پوشی از حقوق ملت یا پذیرش زیاده‌خواهی دشمن باشد هیچ جایگاهی در سیاست ایران ندارد». طائب در ادامه با تأکید بر روشن بودن موضع جمهوری اسلامی ایران گفت: «مذاکره برای گرفتن حق ملت است، نه واگذار کردن آن». او خاطر نشان کرد: «ملت ایران همان‌گونه که در میدان و خیابان ایستادگی کرده است پشت میز مذاکره نیز با همان منطق مقاومت حاضر خواهد شد».

مذاکره زیر سایه تجربه بدعهدی

طائب در ادامه با اشاره به بدعهدی‌های طرف مقابل اظهار کرد: «دشمن به تعهدات خود عمل نکرد؛ قرار بود منابع مالی ایران پرداخت شود اما چنین اتفاقی نیفتاد. همچنین قرار بود، مدیریت

ادامه سر مقاله

انسجام اجتماعی؛ قاعده‌ای برای حکمرانی

در این موارد چه بسا ممکن است، هدف مورد نظر بخشی از جامعه را با خود همراه داشته باشد اما شیوه اجرا سبب فاصله گرفتن بخش دیگری از مردم شود. ماجرای جان دادن مرحومه مهسا امینی از این دست نابخردی‌ها بود.

نمونه دیگر، تصمیم‌های اقتصادی ناگهانی و اطلاع‌رسانی ناکافی در باره تغییر قیمت‌ها یا سیاست‌های معیشتی است. مردم اگر احساس کنند، تصمیمی بدون توجه به سامان زندگی آنان گرفته شده حتی ممکن است به سیاسی که ضرورت اقتصادی دارد نیز بی‌اعتماد شوند. ادبیات تخریبی و برجسب‌زنی میان جریان‌های سیاسی و تبدیل هر اختلاف کارشناسی به دوگانه «خودی و غیرخودی» از دیگر عوامل فرسایش انسجام اجتماعی است. درس مهم این تجربه‌ها آن است که در سیاست‌گذاری، تنها درست بودن هدف کافی نیست؛ راه رسیدن به هدف نیز باید از مسیر حفظ کرامت، اعتماد و همراهی مردم عبور کند.

توانایی اجرا یکی نیست و کشور برای عبور از مسائل خود باید به سراغ بهترین‌ها برود. در ادامه، فناوری و داده به بخش دیگری از این تصویر تبدیل شد. پزشکیان مدیریت درست داده‌ها را یکی از ابزارهای اصلی برای حل مشکلات و کاهش زمینه‌های تخلف دانست و گفت اگر داده‌ها در اختیار باشد و به‌درستی مدیریت شود بسیاری از زمینه‌های دزدی، تخلف و رشوه‌خواری از میان می‌رود. به اعتقاد او، بخشی از مشکلات امروز جامعه از آنجا ناشی می‌شود که یا داده کافی در اختیار نداریم یا نمی‌توانیم آنچه را در اختیار داریم، درست مدیریت کنیم.

اما رئیس‌جمهور همزمان نسبت

به نگاه بدبینانه به فناوری هشدار داد. اینکه

ممکن است، عده‌ای از یک ابزار سوءاستفاده کنند از نظر او نباید به‌معنای بستن راه توسعه باشد. فناوری می‌تواند در

خدمت تخریب قرار بگیرد اما همان ابزار می‌تواند برای نجات انسان‌ها، آموزش، افزایش آگاهی، بهبود کیفیت زندگی و حل مسائل جامعه به کار گرفته شود.

در نهایت، پزشکیان معتقد است زمان رسیدن به اهداف تا حد زیادی به میزان باور و اراده بستگی دارد و اگر جامعه‌ای با علم، داده، همدلی و ایمان حرکت کند بسیاری از موانع قابل عبور خواهند بود. تأکید پایانی او بر حمایت از دانشمندان، نخبگان، نوآوران و کارآفرینان هم ادامه همان نگاه بود: ایران کمبود انسان توانمند ندارد؛ آنچه لازم است، فراهم کردن بستر برای شکوفایی این توانایی‌هاست. پزشکیان در این چارچوب، مسیر پیشرفت را نه در حذف تفاوت‌ها بلکه در کنار هم قرار گرفتن تخصص، اراده و باور به امکان تغییر می‌بیند؛ جایی که برای حل مسئله، نخست باید از «نمی‌شود» عبور کرد.

از اصول عبور نمی‌کنیم

حجت‌الاسلام طائب در ادامه با تأکید بر مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال مذاکره گفت: «ملت ایران نه تهدید را می‌پذیرد، نه تحمیل را و نه مذاکره‌ای که نتیجه آن تضعیف حقوق کشور باشد» سپس گزاره‌ای را مطرح کرد که می‌توان آن را خلاصه نگاه او به مذاکره دانست: «(ایران مذاکره می‌کند اما مرعوب نمی‌شود؛ گفت‌وگو می‌کند اما از اصول خود عبور نمی‌کند. این موضع، موضع یک دولت یا جریان سیاسی نیست بلکه خواست ملتی است که بهای استقلال خود را با خون بهترین فرزندان‌ش پرداخته است».

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در ادامه اظهار کرد: «قدرت جمهوری اسلامی ایران از پیوند سه عنصر خون شهدا، رهبری هوشمندانه و اراده ملتی که تسلیم نمی‌شود، شکل گرفته است». طائب همچنین با تأکید بر اینکه پرچم مقاومت بر زمین نخواهد ماند، تصریح کرد: «به پشتوانه همین قدرت، معادلات منطقه و جهان تغییر کرده و هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند، اراده خود را بر ملت ایران تحمیل کند».

به این ترتیب در روایت ارائه شده از سوی رئیس سازمان بسیج مستضعفین، مسئله اصلی دیگر این نیست که ایران مذاکره خواهد کرد یا نه؛ مسئله این است که اگر مذاکره‌ای شکل بگیرد یا چه منطق و چه خطخطی پیش خواهد رفت. پاسخ او هم روشن است: مذاکره و حتی توافق نیز ممکن است؛ اما هیچ‌کدام نباید به‌معنای چشم‌پوشی از حقوق ملت ایران یا پذیرش زیاده‌خواهی طرف مقابل باشد. ایران، در این تصویر، پشت میز می‌نشیند؛ اما اقرار نیست، میز مذاکره جای میدان مطالبه حقوق را بگیرد. گفت‌وگو آغاز می‌شود اما اصل ماجرا در پایان آن سنجیده خواهد شد؛ جایی که باید مشخص شود چه حقی تثبیت شده، چه تعهدی اجرا شده و چه چیزی برای منافع ایران به‌دست آمده است.

ملی دارد. این مسئولیت مشترک شاید مهم‌ترین لازمه تبدیل انسجام ملی از شعار به واقعیت باشد. طرح یا قانون مربوط به حجاب نیز نمونه‌ای است که می‌توان آن را از منظر «انسجام اجتماعی» بررسی کرد؛ نه لزوماً برای نفی اصل قانون‌گذاری در حوزه فرهنگ بلکه برای ارزیابی شیوه، زمان و پیامدهای اجرای آن. حجاب موضوعی دینی، فرهنگی و قانونی در جمهوری اسلامی است و طبیعی است که نهادهای رسمی فرهنگی درباره آن دغدغه داشته باشند؛ اما مسئله مهم این است که هر سیاستی در این زمینه چگونه می‌تواند ضمن حفظ چارچوب‌های قانونی از ایجاد شکاف و تقابل گسترده در جامعه جلوگیری کند.

اگر اجرای یک قانون، بخش بزرگی از انرژی جامعه و دستگاه‌های اجرایی را درگیر منازعه‌ای فرسایشی کند، سیاستگذار باید درباره شیوه تحقق هدف خود بازاندیشی کند. خوشبختانه توقف اجرای طرح فرصتی است برای بررسی دقیق‌تر آثار اجتماعی و یافتن راه‌حلهایی کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر. در یک کلام باید گفت: هنر حکمرانی، جمع میان قانون، فرهنگ، اقتاع و رضایت نسبی جامعه است.

خوداتکایی امنیتی

هشدار قطر به کشورهای عربی خلیج فارس

گروه بین‌الملل: در شرایطی که هیات قطری به منظور کاهش تنش‌ها در تنگه هرمز و امکان بازگشت ایران و آمریکا به پای میز مذاکره به تهران سفر کرده‌اند ماجد الانصاری، سخنگوی وزارت خارجه قطر روز دوشنبه در کنفرانس بین‌المللی هبلی در ابوظبی اذعان کرد، جنگ علیه ایران نشان داد که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نباید برای امنیت خود تنها به مشارکت‌های استراتژیک‌شان بسا آمریکا تکیه کنند. الانصاری در میزگردی در این کنفرانس اظهار کرد: ما کشورهای منطقه خلیج فارس باید بدانیم که حضور نیروهای بین‌المللی در این منطقه و ایجاد یک اتحاد استراتژیک با آمریکا بسیار مهم است اما کافی نیست. سخنگوی وزارت خارجه قطر در ادامه نیز گفت: خودکفایی در زمینه امنیت تنها راه پیش‌روی ماست. او افزود: بله ما به شرکا و متحدان خود نیاز داریم اما نمی‌توانیم برای امنیت خود تنها به آنها تکیه کنیم. این اولین بار نیست که کشورهای حاشیه خلیج فارس چنین موضعی را به صراحت بیان می‌کنند.

ایسن اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که جنگ اخیر آسیب‌پذیری کشورهای عربی در برابر تبعات مستقیم درگیری میان آمریکا، اسرائیل و ایران را بیش از گذشته آشکار کرده است. این جنگ یک پیامد مهم برای کشورهای عربی خلیج فارس داشته

انرژی هسته‌ای

پرونده ایران در شورای حکام

پیشنهاد گروسی برای همکاری با تهران

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از صبح دوشنبه ۷ سپتامبر در وین آغاز شد و ۱۱ سپتامبر ادامه خواهد داشت؛ نشست که اگرچه موضوعات مختلفی از جمله سوریه، کره‌شمالی و اوکراین را در دستورکار دارد اما پرونده هسته‌ای ایران مهم‌ترین و حساس‌ترین محور آن است. این بار اختلاف تهران و آژانس تنها بر سر میزان دسترسی بازرسان نیست؛ پای احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و آینده همکاری‌های هسته‌ای در میان است. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این نشست گفت: بیش از یک سال می‌گذرد که آژانس، تداوم دانش خود را در رابطه با موجودی‌های پیشین اعلام شده اورانیوم با غنای کم و اورانیوم با غنای بالا تا خلوص ۶۰ درصد ایزوتوپ اورانیوم ۲۳۵ در تأسیسات هسته‌ای اعلام شده‌ای که تحت‌تأثیر حملات نظامی ژوئن ۲۰۲۵ قرار گرفته‌اند از دست داده است.

وی مدعی شد که بی‌اطلاعی آژانس درباره این تأسیسات و مواد هسته‌ای و ناتوانی از انجام راستی‌آزمایی در این تأسیسات، نگرانی جدی در زمینه اشاعه ایجاد می‌کند. بنابراین، این وضعیت نیازمند اصلاح فوری است. او از ایران خواست که «به‌صورت سازنده با آژانس همکاری کند تا امکان اجرای کامل و مؤثر پادمان‌های آژانس در ایران فراهم شود». او تصریح کرد که وضعیت پیرامون برنامه هسته‌ای ایران بر رژیم منع اشاعه جهانی تأثیرگذار است.

ماجرا چیست؟

نشست شورای حکام در شرایطی آغاز شده که همکاری ایران و آژانس همچنان با محدودیت‌های جدی مواجه است. تهران پس از حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵ همکاری‌های خود با آژانس را به حالت تعلیق درآورد. پیش از آن دو طرف در مارس همان سال برای ادامه شکلی از همکاری و امکان بازرسی از برخی تأسیسات آسیب ندیده به توافق رسیده بودند. با این حال، از آن زمان اختلاف بر سر نحوه نظارت و دسترسی بازرسان تشدید شده است. ایران می‌گوید، شرایط امنیتی جدید و حمله به تأسیسات هسته‌ای، چارچوب همکاری گذشته را تغییر داده و تا زمانی که آژانس تحت فشار آمریکا و اسرائیل قرار داشته باشد امکان پیشرفت در روابط وجود ندارد. در مقابل، آمریکا و سه کشور اروپایی یعنی فرانسه، آلمان و بریتانیا قصد دارند، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در شورای حکام به رأی بگذارند که می‌تواند پرونده ایران را یک گام جدی‌تر به سمت شورای امنیت سوق دهد.

است؛ اعتماد به پتر امنیتی آمریکا دیگر مانند گذشته بی‌چون‌وچرا نیست. برای دهه‌ها، مناسبات واشنگتن با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بر یک معامله راهبردی نانوشته استوار بود؛ کشورهای عربی از پتر امنیتی آمریکا بهره می‌بردند و در مقابل همکاری‌های دیپلماتیک، ثبات بازار انرژی و زیرساخت‌های لازم برای حضور نظامی واشنگتن در منطقه را فراهم می‌کردند.

اما جنگ ۴۰ روزه این معادله را با چالش روبرو کرد. حملات تلافی‌جویانه ایران به اهداف مرتبط با حضور آمریکا در منطقه و تهدید مسیرهای حیاتی دریایی، ازجمله تنگه هرمز، نشان داد که کشورهای میزبان نیروهای آمریکایی ممکن است خود نیز به بخشی از میدان درگیری تبدیل شوند. به این ترتیب آنچه قرار بود ضامن امنیت باشد، در برخی موارد به عاملی برای افزایش ریسک تبدیل شد.

اکنون پایتخت‌های عربی با یک دوراهی مهم مواجهند. از یک‌سو توان نظامی آمریکا همچنان برای بازدارندگی در برابر تهدیدهای منطقه‌ای اهمیت دارد و جایگزین کردن کامل این ظرفیت در کوتاه‌مدت دشوار است. از سوی دیگر تجربه جنگ نشان داده که منافع واشنگتن لزوماً با اولویت‌های امنیتی و اقتصادی کشورهای عربی یکسان نیست. دولت‌های منطقه بیش

چرا اهمیت دارد؟

اهمیت این نشست در این است که تصمیم شورای حکام می‌تواند از یک اختلاف فنی میان ایران و آژانس فراتر برود و به یک بحران سیاسی و امنیتی گسترده‌تر تبدیل شود. پیش‌نویس مورد حمایت آمریکا و E۳ صرفاً محکومیت یا درخواست معمول برای همکاری بیشتر نیست. در این طرح از مدیرکل آژانس خواسته می‌شود، قطعنامه و سوابق مربوط به موارد ادعایی عدم پایبندی ایران را در اختیار اعضای آژانس، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل قرار دهد. چنین اقدامی می‌تواند، مسیر پرونده را به سمت شورای امنیت تغییر دهد و زمینه را برای بازگشت فشارهای بین‌المللی، تحریم‌ها و اقدامات سیاسی جدید فراهم کند. از همین‌رو نتیجه این نشست می‌تواند بر آینده مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب نیز تأثیر مستقیم بگذارد.

زمینه موضوع چیست؟

ریشه بحران کنونی به مجموعه‌ای از اختلافات چند ساله بر سر برنامه هسته‌ای ایران بازمی‌گردد؛ اختلافاتی که پس از خروج آمریکا از برجام و کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای ایران شدت گرفت. اما حملات نظامی ژوئن ۲۰۲۵ شرایط را وارد مرحله‌ای تازه کرد. بمباران تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان نه‌تنها زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را هدف قرار داد بلکه امکان نظارت عادی آژانس بر بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای را نیز مختل کرد. اکنون آژانس می‌گوید به دلیل نبود دسترسی و دریافت نکردن اطلاعات کافی، درباره وضعیت بخشی از مواد هسته‌ای ایران اطلاع دقیقی ندارد؛ موضوعی که به یکی از اصلی‌ترین استدلال‌های کشورهای غربی برای افزایش فشار بر تهران تبدیل شده است.

چه کسانی درگیرند؟

در یک سوی این مناقشه، ایران قرار دارد که بر حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و ضرورت استقلال آژانس تأکید می‌کند. در سوی دیگر، آمریکا و سه کشور اروپایی قرار دارند که خواستار بازگشت نظارت کامل آژانس و دریافت پاسخ درباره مواد هسته‌ای و فعالیت‌های اعلام شده ایران هستند. در این میان، روسیه و چین موضع متفاوتی دارند و معمولاً بر خویشتنداری و ادامه مسیر دیپلماتیک تأکید می‌کنند. رافائل گروسی نیز در مرکز این کشمکش قرار گرفته است؛ مدیرکلی که هم باید نگرانی‌های فنی آژانس را پیگیری کند و هم از تبدیل اختلافات هسته‌ای به یک بحران سیاسی غیرقابل کنترل جلوگیری کند.



سایه افزایش تلفات و تخریب‌های ناشی از جنگ، هزینه سیاسی بیشتری پیدا کرده است. همین مسئله موجب شده بسیاری از کشورهای منطقه ضمن حفظ روابط امنیتی با واشنگتن بر استقلال تصمیم‌گیری و حاکمیت ملی خود تأکید کنند.

در همین چارچوب، کشورهای عربی بیش از گذشته به سمت سیاست «موازنه‌گری» حرکت کرده‌اند؛ یعنی حفظ روابط با آمریکا در کنار گسترش مناسبات با قدرت‌هایی مانند چین و روسیه و استفاده از ظرفیت کشورهایی همچون پاکستان برای میانجیگری و کاهش تنش. به این ترتیب، پرسش اصلی دیگر این نیست که آیا آمریکا همچنان در خلیج فارس حضور خواهد داشت یا نه؛ بلکه این است که کشورهای عربی تا چه اندازه حاضرند، امنیت خود را از پتر آمریکا خارج کرده و خودشان بخشی از ستون‌های معماری امنیتی آینده منطقه باشند.

دیپلماسی

هشدار تهران به سئول

همراهی با آمریکا پیامد جدی دارد

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در پیامی به زبان کره‌ای در شبکه ایکس در واکنش به اخبار منتشر شده مبنی بر احتمال حضور نظامی کره جنوبی در خلیج فارس و تنگه هرمز نوشت: «روابط ایران و کره جنوبی بیش از ۶۴ سال سابقه دارد و همواره مبتنی بر احترام متقابل بوده است».

او افزود: «ایران ارزش زیادی برای روابط دوستانه با کره جنوبی قائل است. با این حال روشن است در شرایط فعلی که ملت ایران در حال دفاع از خود در برابر اقدامات تجاوزکارانه و یاسخ قاطع به جنایات جنگی آمریکا علیه زنان و کودکان است هرگونه مشارکت عملیاتی یا حضور نظامی دیگر طرف‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز به منزله حمایت مستقیم از طرف متجاوز بوده و پیامدهای جدی خواهد داشت». سخنگوی وزارت امور خارجه ایران افزود: «هیچ کشور صاحب حاکمیت و مسئولیت‌پذیری تسلیم فشار و اخاذی آمریکا برای همدستی در ارتکاب اقدامات تجاوزکارانه و جنایات شنیع علیه ملت بزرگ ایران نمی‌شود». پیش‌تر رسانه‌های کره جنوبی ازجمله شبکه‌های تلویزیونی JTBC و MBC در گزارش‌هایی به نقل از منابع دولتی و نظامی فاش کرده‌اند که سئول در حال آماده‌سازی مقدمات اعزام نیرو و تجهیزات نظامی به تنگه هرمز است. بررسی ریشه‌های این تصمیم نشان می‌دهد که فشار دولت ایالات متحده، نقشی کلیدی در بازنگری سئول در استراتژی دریایی‌اش ایفا کرده است. به نظر می‌رسد، دولت «الی جانه-میونگ» اکنون در تلاش است تا با طرح موضوع اعزام نیرو، توازن آسیب دیده در ائتلاف با واشنگتن را ترمیم کند. از منظر تحلیلگران امنیت بین‌الملل، سئول به دنبال مدیریت ریسک‌های ائتلاف است. در شرایطی که واشنگتن از متحدان خود انتظار مشارکت مالی و نظامی بیشتری دارد، اعزام تجهیزات به تنگه هرمز می‌تواند به‌عنوان پیامی دال بر «متحد قابل اتکا بودن» تلقی شود حتی اگر این مشارکت از نظر عملیاتی محدود باشد. براساس اطلاعات منتشر شده در خبرگزاری رویترز، گزینه‌های روی میز دولت کره جنوبی شامل اعزام یک فروند هواپیمای گشت دریایی، یک شناور پشتیبانی لجستیکی و از همه مهم‌تر یک یگان شناسایی و پاک‌سازی مین‌های دریایی است.



از هر چیز به‌دنبال ثبات، امنیت زیرساخت‌ها، استمرار صادرات انرژی و باز بودن مسیرهای تجاری هستند؛ درحالی که اهداف نظامی آمریکا ممکن است در مقاطع مختلف مستقیماً با این اولویت‌ها در تضاد قرار گیرد.

از همین‌رو روند حرکت به سمت «خوداتکایی امنیتی» در کشورهای خلیج فارس شتاب گرفته است. افزایش تولید داخلی تجهیزات دفاعی، متنوع‌سازی منابع تسلیحاتی، تقویت سامانه‌های پدافندی و کاهش وابستگی به یک تأمین‌کننده خارجی بخشی از این رویکرد جدید است. همزمان ایجاد مسیرهای جایگزین برای انتقال انرژی و تجارت نیز اهمیت بیشتری پیدا کرده تا اقتصادهای منطقه در برابر اختلال در نقاط گلوگاهی آسیب‌پذیر نباشند.

پیامدهای جنگ تنها به حوزه نظامی محدود نمانده است. همکاری آشکار با آمریکا و اسرائیل برای دولت‌های عربی در

شواهد چه می‌گوید؟

یکی از مهم‌ترین محورهای گزارش‌های اخیر آژانس، میزان ذخایر اورانیوم غنی شده ایران است. بر اساس گزارش‌های ارائه شده به کشورهای عضو، ایران حدود ۴۴۰۰۹ کیلوگرم اورانیوم با غنای حداکثر ۶۰ درصد در اختیار دارد؛ سطحی که از نگاه نهادهای عدم اشاعه، نگرانی قابل‌توجهی ایجاد می‌کند.

اختلاف بر سر چیست؟

اختلاف اصلی در ظاهر درباره «دسترسی و راستی‌آزمایی» است اما در عمق ماجرا مسئله اعتماد قرار دارد. آژانس می‌خواهد امکان دسترسی و نظارت خود را احیا کند، درحالی که تهران معتقد است پس از حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای، نمی‌توان همان سازوکار قبلی را بدون در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی ادامه داد.

پیامدها چیست؟

صدور قطعنامه جدید می‌تواند، فضای تقابل میان ایران و غرب را تشدید کند. هرچند احتمال دارد، روسیه و چین در شورای امنیت با هرگونه اقدام علیه ایران مخالفت کنند اما خود ارجاع پرونده می‌تواند، فشار سیاسی بر تهران را افزایش دهد. آخرین بار در سال گذشته، تصویب قطعنامه آژانس علیه ایران منجر به جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران شد. از سوی دیگر، مقام‌های ایرانی هشدار داده‌اند که فشار بیشتر ممکن است به بازنگری در سیاست هسته‌ای ازجمله خروج از ان‌پی‌تی منجر شود.

چه خواهد شد؟

اکنون پرسش اصلی این است که آیا شورای حکام به سمت تشدید فشار خواهد رفت یا امکان حفظ یک مسیر دیپلماتیک باقی خواهد ماند. کشورهای غربی از اکثریت لازم برای تصویب قطعنامه برخوردارند اما مخالفت روسیه و چین می‌تواند، مانع از تبدیل فوری این اقدام به یک تصمیم الزام‌آور در شورای امنیت شود. با این حال، حتی بدون رسیدن فوری پرونده به مرحله تحریم‌های جدید، تصویب قطعنامه می‌تواند، فضای مذاکرات را دشوارتر کند و حتی طرفین را به سمت درگیری نظامی سوق دهد.

گزارش

سرآغاز حکمت

مراسم نکوداشت پرویز ضیاء شهابی



مراسم نکوداشت پرویز ضیاء شهابی، استاد ممتاز فلسفه، عصر یک‌شنبه ۱۵ شهریور در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه برگزار شد. مدت‌ها بود که در این مؤسسه چنین جلسه‌ای برگزار نشده بود. در این جلسه که با حضور شمار قابل‌توجهی از استادان و پژوهش‌گران فلسفه برگزار شد، ضمن تقدیر از تلاش‌های علمی و نکوداشت شخصیت پرویز ضیاء شهابی، از ترجمه جدید او باعنوان «تحول تاریخی مفهوم فلسفه» که به همت انتشارات فرهنگ سیادت منتشر شد، رونمایی گردید. پرویز ضیاء شهابی، متولد ۱۳۲۲ تهران، از پژوهش‌گران ممتاز فلسفه در ایران است که فلسفه آلمانی را در ایران نزد استادانی چون سیدحسین نصر، یحیی مهدوی، احمد فردید، مهدی حائری‌زیدی، سیدجلال‌الدین آشتیانی و جواد مصلح خوانده و در آلمان نیز شاگرد فریدریش ویلهلم فن هرمن، هیدگرشناس بزرگ بوده است. ضیاء شهابی سال‌ها در دانشگاه مشهد به تدریس فلسفه پرداخت و سپس به تهران آمد و در گروه فلسفه دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات و فناوری مشغول به کار شد. ترجمه آثاری چون: «سرآغاز کار هنری» (نوشته مارتین هیدگر با شرح فون هرمن، ۱۳۷۷)، «راه‌های به تفکر فلسفی: درآمدی به مفاهیم بنیادین» (نوشته یوزف ماری بوخنسکی، ۱۳۸۰)، «مسائل اساسی پدیدارشناسی» (نوشته مارتین هیدگر، ۱۳۹۲)، «فلسفه هنر به نزد هایدگر» (نوشته فریدریش فون هرمن) و تألیف کتاب‌هایی چون «سرآغاز و سرانجام هست‌ها: شش جستار در فلسفه یونانی» (۱۳۹۶) و کتاب «درآمدی پدیدارشناسانه به فلسفه دکارت».

تواضع اعجاب‌انگیز

در ابتدای جلسه، بهمن پازوکی، استاد فلسفه و عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، به معرفی کتاب تازه ضیاء شهابی پرداخت و ضمن تقدیر از مقام علمی او به کتاب «تحول تاریخی مفهوم فلسفه» اشاره کرد. در ادامه حسین واله، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به شرکت‌کنندگان این مراسم خیرمقدم گفت. سپس مصطفی ملکیان، پژوهش‌گر فلسفه اخلاق به‌عنوان اولین سخنران این نشست صحبت کرد و گفت: «جای من این‌جا نبود، چون مسلماً اساتید بزرگ برای این

سخنرانی حق‌تقدم دارند. از سوی دیگر جای من این‌جاست چون یکی از شیفتگان شخصیت و منش آقای دکتر ضیاء شهابی هستم و برای من جای افتخار دارد که این شیفتگی را بار دیگر به زبان بیاورم. در دهه ۶۰ دانشجوی فوق‌لیسانس دانشگاه بومد و برای سخنرانی به مشهد رفته بودم. اسم ایشان را نشنیده بودم، ولی دیدم که یک مردی نشسته و بعد از این‌که سخنرانی تمام شد، دوستان گفتند ایشان دکتر ضیاء شهابی، استاد دانشگاه مشهد هستند. من دانشجوی فوق‌لیسانس بومد و شنیدن سخنرانی من برای استادی مثل ایشان چه سودی می‌توانست داشته باشد. ولی ایشان پای سخنرانی من نشسته بودند. این اولین‌بار بود که من این تواضع را در ایشان دیدم و بعد از آن مکرر در مکرر این تواضع را در ایشان دیدهام و برای من واقعاً اعجاب‌انگیز است. من کمتر کسی را مثل ایشان از این لحاظ دیدهام). مالک حسینی، سخنران دیگر این نشست به ترجمه پرویز ضیاء شهابی از «فرهنگ مفاهیم فلسفی» اشاره کرد و گفت: «استاد ضیاء شهابی ترجمه خود را سال‌ها پیش شروع کرده بود و رضایت به انتشار آن نمی‌داد تا این‌که بالاخره انتشارات فرهنگ سیادت موفق شد کار را از ایشان بگیرد و منتشر کند. عنوان بسیار مناسبی برای کتاب انتخاب شده است: «تحول تاریخی مفهوم فلسفه» اتفاقی است که در کتاب رخ می‌دهد». حسینی دربارهٔ جهت دوم اهمیت کتاب گفت: «این کتاب برای کسانی‌که به تاریخ فلسفه علاقه‌مندند، بسیار اهمیت دارد، با خواندن این کتاب تصویری که از تاریخ فلسفه به‌دست می‌آوریم، متفاوت از تصویری است که با خواندن تاریخ‌های معمول فلسفه مثل راتلج و کاپلستون به‌دست می‌آوریم، مخصوصاً از جهت تعامل فلسفه با دین».

سخنران پایانی این نشست، پرویز ضیاء شهابی بود و از کسانی‌که او را به پذیرش چاپ و نشر این ترجمه ناتمام ترغیب کردند، تشکر کرد و علت ناتمام ماندن آن را اختلال در بینایی هر دو چشم عنوان کرد که ایشان را از خواندن و نوشتن بازداشت. ضیاء شهابی همچنین عنوان کرد، بازبینی چنین متنی، به‌ویژه در جاهایی که با واژه‌ها و عبارت‌های یونانی سروکار دارد، مراجعه پیوسته به فرهنگ‌ها و دقت در حروف و ضبط اصطلاحات را می‌طلبد که با توجه به مشکلی که عنوان گشت، دیگر از ایشان ساخته نبود. این پژوهش‌گر فلسفه، در تبیین علت انتشار این کتاب گفت: «اردبیهشت سال گذشته، آقایان شریف‌زاده و هادی عالم‌زاده در دیدار با پنده وقتی از نیمه‌تمام ماندن کار آگاه شدند، پیشنهاد کردند همین بخش ترجمه‌شده فعلاً منتشر شود. من نیز ناچار پذیرفتم و انتشار اثر به مؤسسه فرهنگی سیادت سپرده شد». در بخش پایانی این برنامه با حضور سخنرانان و اساتید از کتاب «تحول تاریخی مفهوم فلسفه» رونمایی به‌عمل آمد.

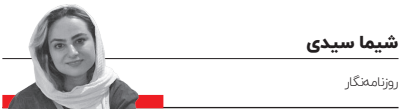
کافه

تازه‌های ادب و هنر

شنیدن نبض سنگ‌ها

بازخوانی خاطرات ابوالحسن خان صدیقی و هوشنگ سیحون

که به مفاخر ایران چهره و کالبد دادند



شیمای سیدی

روزنامه‌نگار

۵۸ سال از روزی که سنگ‌ها دوباره روی هم چیده شدند و بنای آرامگاه فردوسی جان گرفت، می‌گذرد. در این مدت ما نیز همچون میلیون‌ها نفر دیگر از این شاهکار هنر و معماری بازدید کرده‌ایم، جلوی عظمت بنا سر خم کرده‌ایم و در دل آفرینی بر روان فردوسی و سازندگان آرامگاه او فرستاده‌ایم. اما این‌بار قصه فرق دارد. با کسانی هم‌قدم شده‌ایم که نام خانوادگی‌شان روی این سنگ‌ها حک شده است؛ نادر سیحون و نوشین‌دخت صدیقی. فرزندان دو مردی که به تاریخ و اسطوره‌های این سرزمین کالبد و چهره دادند.

نوشین‌دخت صدیقی، دختر ابوالحسن‌خان صدیقی، خالق مجسمه مرمرین حکیم ابوالقاسم فردوسی و نادر سیحون، پسر هوشنگ سیحون، معماری که توانست پس از ۳۰ سال معمای سنگین‌بودن ساختمان آرامگاه فردوسی را با طراحی تالار زیرین حل و بنای آن را از نو تجدید کند. البته که همکاری این دو هنرمند برجسته تاریخ ایران تنها آرامگاه فردوسی را برای ایرانیان ماندگار نکرد، بلکه بناهای مهم دیگری همچون آرامگاه نادر، کمال‌الملک و خیام را نیز برای تاریخ خراسان و آرامگاه ابوعلی‌سینا را نیز برای ایران به یادگار گذاشت. رونمایی از کتاب «یادداشت‌های هوشنگ سیحون»، بهانه‌ای شد تا آن‌ها بعد از سال‌ها دوری، دوباره به خانه پدری‌شان سر بزنند.

ساختن مجسمه‌ها با روح ایران‌دوستی

۱۰ سال از آخرین‌بار که نادر سیحون پا به آرامگاه گذاشته بود، می‌گذشت و برای نوشین‌دخت، این فاصله به ۲۰ سال رسیده بود. هر دو سال‌هاست سایهٔ پدر را بالای سر ندارند، اما این بناهای سنگی برایشان چیزی فراتر از معناری است؛ این‌ها خود خانواده‌اند. نوشین‌دخت صدیقی که مرداد سال ۱۳۷۷ در تهران متولد شد، در طول مدت ساخت مجسمه فردوسی و مجسمه نادرشاه افشار در سال ۱۳۳۶ همراه پدر در رم به‌سر می‌برد و راوی خوبی برای آن سال‌های ابوالحسن‌خان صدیقی است: «پدرم با ساختن و خلق مجسمه‌هایی از بزرگان فرهنگ و هنر ایران می‌خواست نشان دهد یک وطن‌پرست واقعی است. هرچند بسیاری از آثارش را در رم ایتالیا ساخت، ولی آن‌ها را با روح ایران‌دوستی ساخت».

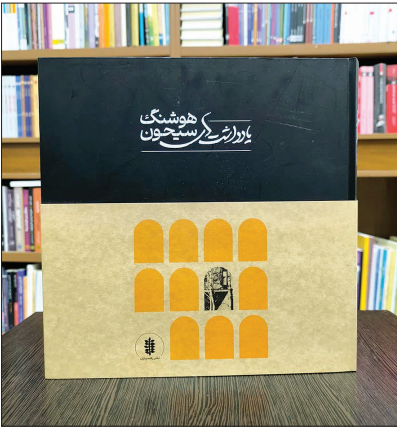
سال ۱۳۳۷ که ابوالحسن‌خان صدیقی برای ساخت مجسمه نادرشاه در ایتالیا به‌سر می‌برد، بحث تبادل هنر بین دولت ایران و ایتالیا بارها مطرح شد، استاد صدیقی از این فرصت به نحو احسن استفاده کرد و با استفاده از سنگ سفید مرمر کارای ایتالیایی مجسمه‌ای از حکیم ابوالقاسم فردوسی ساخت که هنوز در میدانی مقابل موزه هنرهای

مدرن در رم ایتالیا به یادگار مانده است.

تصویری که امروز همه ما از فردوسی در ذهن داریم، مدیون هنر ابوالحسن‌خان صدیقی است. خود استاد در مصاحبه‌ای گفته بود: «رستم شاهنامه، خود فردوسی است. رستم، تمام صفات فردوسی را دارد [...] من در مجسمه‌هایی‌که از فردوسی ساختم‌ام، رستم را مقابل خودم دیدهام، فقط لباس رزم بر تن او نکرده‌ام». نوشین‌دخت صدیقی درحالی‌که مقابل مجسمه آرامگاه فردوسی که چهارمین مجسمه ساخته استاد صدیقی است، نشسته می‌گوید: «اولین مجسمه فردوسی را پدرم سال ۱۳۰۱ یعنی زمانی که هنوز به ایتالیا نرفته بود و مجسمه‌سازی نیاموخته بود، ساخت. استاد صدیقی چهره فردوسی را با خواندن فراوان شاهنامه و از دل هزاران بیت کشف کرد. آن مجسمه بسیار شبیه مجسمه‌ای بود که امروز در باغ آرامگاه نصب است، تنها فردوسی کمی جوان‌تر بود. جنس مجسمه از گچ ساختمان بود و در حوض خانه مدرسه کمال‌الملک که شده بود، کارگاه مجسمه‌سازی ساخته شد. البته که تأسیس رشته مجسمه‌سازی و تبدیل حوض خانه به کارگاه مجسمه‌سازی که امروز موزه هنرهای ملی تهران است نیز کار پدر من بود. پدرم این چهره فردوسی را با همکاری استاد حسنعلی وزیری که او هم از شاگردان کمال‌الملک بود، ساخت. مجسمه نشسته روی بال سیمرغ بود، درحالی‌که فردوسی دارد شاهنامه می‌نویسد. سال ۱۳۱۳ که هزاره فردوسی برگزار شد و مستشرقین به ایران آمدند، همان تصویر روی مدال برنزی حک و در حضور مهمانان رونمایی شد. متأسفانه آن مجسمه چون گچی بود، شکست. برخی می‌گویند مجسمه‌ساز ایتالیایی در سال ۱۳۱۳ اولین مجسمه فردوسی را ساخته که این حرف اشتباه است و پدر من اولین مجسمه را در سال ۱۳۰۱ ساختند و ثبت شده است».

پنجمین و کامل‌ترین مجسمه فردوسی

استاد صدیقی، چندین مجسمه از حکیم ابوالقاسم فردوسی به یادگار گذاشته‌اند که یکی با صلابتی مثال‌زدنی



در آرامگاهش نشسته و مشغول نوشتن شاهنامه است، یکی شاهنامه را زیر بغل زده و ایستاده و همهجه پایتخت را از وسط میدان فردوسی می‌بیند، دیگری در رم ایتالیا با نگاه نافذش، فرهنگ ایرانی را به اروپایی‌ها معرفی می‌کند. از دختر استاد صدیقی می‌پرسیم که آیا از پدر نشنیده که به کدام یک بیشتر علاقه داشته؟ و او پاسخ می‌دهد: «ایشان هیچ صحبتی در این رابطه نکردند و من نمی‌توانم از طرف‌شان جوابی بدهم، اما خودم فکر می‌کنم مجسمه میدان فردوسی تهران را بیشتر دوست داشتند. اگر توجه کنید در همه مجسمه‌های فردوسی که پدرم ساختند، فردوسی در حال نوشتن شاهنامه است، اما در مجسمه میدان فردوسی تهران، فردوسی دیگر شاهنامه نمی‌نویسد، بلکه شاهنامه تمام شده و آن را در بغل گرفته و قلم را زمین گذاشته است. به همین خاطر فکر می‌کنم آن مجسمه کامل‌ترین مجسمه فردوسی است که پدرم فکر می‌کردند می‌توانند از فردوسی بسازند. بعد از آن‌هم دیگر مجسمه فردوسی نساختمند، درحالی‌که در دهه پنجاه بسیار پرکار بودند و مجسمه‌های زیادی ساختند. مجسمه‌های امیرکبیر، خیام، یعقوب لیث را در آن سال‌ها ساختند ولی دیگر از سال ۱۳۴۸ به‌بعد مجسمه فردوسی نساختمند. یعنی پنجمین مجسمه فردوسی، آخرین مجسمه فردوسی بود». نوشین‌دخت صدیقی که پس از سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۸۴ برای سومین‌بار قدم در آرامگاه فردوسی گذاشته می‌گوید: «جای تأسف دارد که در این سال‌ها تنها سه بار توانستم در هوای آرامگاه فردوسی تنفس کنم، اما همین که امروز این فرصت دوباره نصیب من شده مایهٔ مباهات است. من عاشق پدرم و آثارش هستم و خوشحالم که توانستم امروز خاطراتش را مرور کنم، تا دیگران هم بشوند و شاید هم برای دیگران الهام‌بخش باشد. وطن‌پرستی بهترین تعریفی است که می‌توانم در توصیف پدرم بگویم».

آرامگاه‌هایی که مثل آینه است

هریار که پای صحبت کارگران آرامگاه‌های فردوسی و نادرشاه می‌نشستیم و می‌خواستیم خاطره‌ای از مهندس هوشنگ سیحون تعریف کنند، «انضباط» و «دقت» مهم‌ترین توصیف آن‌ها از پدر معماری مدرن ایران بود. شاید راز ماندگاری بناهای ساخته مهندس سیحون همین انضباط و سخت‌گیری باشد. از نادر سیحون، فرزند مهندس هوشنگ سیحون می‌پرسیم که پدر در خانه هم همین‌طور سخت‌گیر بود و او با خنده خاطره‌ای تعریف می‌کند که نشان‌دهنده همین دقت در فضای خانه نیز بوده است: «پدرم کتاب‌خانهٔ بسیار بزرگی داشت، اما روی همه کتاب‌هایش حساس بود».

آرامگاه‌های ساخته سیحون امروز همچون آینه انعکاس‌دهندهٔ ابعاد شخصیتی افراد خفته در آن است، چنان‌که خود لفظ «یادمان» را بر آرامگاه ارجح می‌دانست. راز پیوند قوی مردم با بناهای سیحون نیز

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۲۱۰۷۸۰۰۳۰۱۰۷۸۰۵۶۰۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۴/۱ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قدرت اله افتخاری فرزند نبی اله بشماره شناسنامه ۶۰۶ صادره از تاکستان در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۵۰/۵۵ متر مربع پلاک ۳۹۰۳ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۳۵ فرعی از ۲ اصلی قطعه ۷۴ واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی (حسین ایزد و بهروز صمیمی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

۱۳۴۱۶ م الف رئیس ثبت اسناد و املاک –خداداد بشیری

شناسه آگهی ۲۲۵۷۱۷۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تهرانپارس

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۷۵۳۰۰۰۷۹۰۰۰۳۰۱۰۵۶۰۳۰ در خصوص پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۱۰۷۹۰۰۰۶۴۱ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید محمدی فشکی به شناسنامه شماره ۴۰۵ کد ملی ۵۴۴۹۹۷۵۵۷۰ صادره اراک فرزند علی اصغر در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۲۲/۵۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ثبتی ۲۱۷۶ فرعی از ۸۸ اصلی قطعه ۵۰ تفکیکی از بلوک ۱۵۳ تهرانپارس بخش ۱۱ تهران بخش حوزه ثبت ملک تهرانپارس خریداری از مالک رسمی شرکت توسعه لويزان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

۱۳۴۱۳ م الف رضا النجری – رئیس ثبت اسناد و املاک تهرانپارس

شناسه آگهی ۲۲۵۷۱۷۲۹

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ترمزدار

آیا روند صعودی نرخ ارز متوقف می‌شود؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

دلار پس از هفته‌ها حرکت پرشتاب، سرانجام در برابر مرز ۲۳۰ هزار تومان متوقف شد. بازار روز یک‌شنبه را در محدوده ۲۲۹ هزار تومان آغاز کرد اما نتوانست این سطح را حفظ کند و در پایان معاملات به کانال ۲۲۳ هزار تومان بازگشت. این عقب‌نشینی روز دوشنبه نیز ادامه یافت و دلار با کاهش بیشتر در محدوده ۲۲۲ هزار تومان بسته شد. به این ترتیب بازار ارز برای دومین روز متوالی نزولی شد و بخشی از فاصله خود با قله تازه را پس گرفت. مهم‌ترین عامل این تغییر مسیر، اعلام آمادگی بانک مرکزی برای عرضه ارز بود. عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، افزایش اخیر نرخ ارز را بیش از آنکه ناشی از عوامل واقعی بداند، متأثر از فضای روانی توصیف کرده و گفته است، بانک مرکزی آمادگی دارد تا ۲ میلیارد دلار ارز در بازار عرضه کند. این سخنان، احتمال حضور فعال‌تر بازارساز را افزایش داد و بخشی از خریدارانی که با انگیزه احتیاطی یا سفته‌بازانه وارد بازار شده بودند را عقب راند. واکنش بازار نشان داد که برخلاف تصور رایج، مسیر دلار کاملاً یک‌طرفه نیست. معامله‌گرانی که در قیمت‌های بالا ارزی می‌خرند اکنون باید احتمال مداخله بانک مرکزی و زیان ناشی از اصلاح قیمت را نیز در محاسبات خود وارد کنند.

همین تغییر در ارزیابی ریسک می‌تواند، سرعت ورود تقاضای تازه را کاهش دهد. در بازاری که بخش قابل‌توجهی از حرکت آن با انتظارات شکل می‌گیرد، شکسته شدن تصور «افزایش دائمی قیمت» گاهی به اندازه عرضه واقعی ارز اهمیت دارد. بنابراین شواهد کوتامدت از توقف شتاب رشد دلار حکایت دارند اما هنوز برای سخن گفتن از آغاز یک روند نزولی پایدار زود است. تفاوت بزرگی میان «متوقف شدن جهش» و «کاهش ماندگار نرخ ارز» وجود دارد. بانک مرکزی می‌تواند با عرضه منابع، تقاضای هیجانی را مهار کند و قیمت را برای مدتی پایین بیاورد؛ اما جهت بلندمدت بازار را متغیرهایی مانند تورم، کسری بودجه، رشد نقدینگی، درآمدهای نفتی، دسترسی به منابع ارزی و تحولات سیاسی تعیین می‌کنند. تورم همچنان مهم‌ترین عامل بنیادی در پس‌زمینه بازار است. براساس آمار مرکز آمار، تورم سالانه مردامده به ۶۹۰ درصد رسیده است. تداوم چنین سطحی از افزایش قیمت‌ها، ارزش واقعی ریال را کاهش می‌دهد و تقاضا برای دارایی‌هایی مانند ارز و طلا را زنده نگه می‌دارد. تا زمانی که تورم به‌طور معنادار کاهش پیدا نکند، افت نرخ ارز ممکن است بیشتر ماهیت اصلاحی داشته باشد تا نشانه آغاز یک روند نزولی بلندمدت. در کنار تورم، کاهش صادرات نفت و دشواری دسترسی به منابع ارزی نیز بر چشم‌انداز دلار سایه انداخته است. اگر عرضه ۲ میلیارد دلاری بانک مرکزی با جریان مستمر درآمد ارزی پشتیبانی نشود، اثر آن ممکن است محدود و موقت باشد. مداخله زمانی نتیجه پایدار می‌دهد که بازار اطمینان پیدا کند، عرضه ارز نه یک اقدام مقطعی بلکه بخشی از یک برنامه قابل تداوم است. شفافیت درباره منابع، تداوم تأمین ارز واردکنندگان و بازگشت ارز صادراتی می‌تواند، اثر روانی و واقعی سیاست بانک مرکزی را تقویت کند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

عقوبت قطع اتصال

چرا ایران برنده جنگ اقتصادی آمریکا و چین نمی‌شود؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

ایران در یکی از بهترین نقاط جغرافیایی جهان قرار گرفته اما یکی از بدترین اقتصادهای جهان برای اتصال به شبکه اقتصاد جهانی است. خوب به موقعیت ایران توجه کنید، کشوری میان خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره هند که می‌تواند، حلقه اتصال شرق و غرب و شمال و جنوب باشد امروز برای فروش نفت، انتقال پول، واردات فناوری و حتی انجام یک معامله معمول تجاری با محدودیت‌های جدی مواجه است. در ماه‌های اخیر این تناقض آشکارتر شده است. فشار آمریکا بر شبکه مالی و نفتی ایران افزایش یافته، صادرات نفت به‌شدت کاهش پیدا کرده و حتی واسطه‌هایی که انتقال درآمد نفت ایران از چین را تسهیل می‌کنند، هدف تحریم قرار گرفته‌اند. تازه‌ترین نمونه، تحریم یک بانک سرمایه‌گذاری ترکیه‌ای و دو شرکت وابسته به آن است که آمریکا آنها را به تسهیل انتقال درآمد نفت ایران از چین متهم کرده است. درست در همین جهانی که ایران با هزینه قطع ارتباط مواجه شده، گروه دیگری از کشورها در حال کسب منفعت از پدیده‌ای کاملاً معکوس هستند. آنها نه قدرت بزرگی مانند آمریکا و چین هستند، نه لزوماً فناوری‌های پیشرو جهان را تولید می‌کنند و نه می‌توانند، قواعد اقتصاد جهانی را تعیین کنند. مزیت اصلی آنها چیز دیگری است: با همه طرف‌ها ارتباط دارند. اقتصاددانان به این کشورها «اقتصادهای رابط» می‌گویند. پرشس مهم این است که در جنگ اقتصادی آمریکا و چین، تکلیف کشورهایی که عضو هیچ‌یک از دو قطب اصلی فناوری نیستند چه می‌شود؟ پاسخ اقتصاددانان برخلاف تصور اولیه الزاماً بدبینانه نیست. کشورهای میانی حتی می‌توانند از این رقابت منتفع شوند؛ به شرط آنکه مجبور نشوند یکی از دو طرف را انتخاب کنند. اما چگونه؟

اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر وارد مرحله متفاوتی شده است. دورانی که شرکت‌ها تقریباً فقط بر اساس هزینه، بهره‌وری و مزیت نسبی محل تولید و تأمین‌کنندگان خود را انتخاب می‌کردند، جای خود را به جهانی‌ای داده که امنیت اقتصادی نیز در آن اهمیت زیادی دارد. تعرفه‌های آمریکا علیه چین، محدودیت صادرات تراشه‌های پیشرفته، کنترل سرمایه‌گذاری و تلاش شرکت‌ها برای کاهش وابستگی به یک کشور، زنجیره‌های جهانی تولید را تغییر داده است. اما نکته مهم این است که این فرآیند الزاماً به تشکیل دو جزیره کاملاً جدا از یکدیگر منجر نمی‌شود. میان آمریکا و چین، گروه بزرگی از کشورها قرار گرفته‌اند که با هر دو طرف تجارت می‌کنند. برای آنها دوپارگی اقتصاد جهان هم تهدید است و هم فرصت. تهدید از این جهت که انتخاب اجباری میان دو بلوک می‌تواند، دسترسی آنها را به بخشی از بازار، فناوری و سرمایه جهانی قطع کند. اما فرصت از آن جهت که شرکت‌هایی که می‌خواهند، وابستگی مستقیم خود به چین را کاهش دهند به کشورهای دیگری برای تولید، مونتاژ، حمل‌ونقل، خدمات و سرمایه‌گذاری نیاز دارند. به همین دلیل کشور میانی می‌تواند از شکاف میان قدرت‌های بزرگ «رانت اتصال» کسب کند. این اتفاق را پیش از این در تجارت کالا نیز دیده‌ایم. بخشی از زنجیره‌های تولید از چین به کشورهای مانند ویتنام، مکزیک و دیگر اقتصادهای آسیایی منتقل شده است. کشورهای دیگری نیز به مراکز تجارت، لجستیک و سرمایه‌گذاری میان شرق و غرب تبدیل شده‌اند. ارزش آنها نه در قطع

رابطه با یک قدرت بلکه در حفظ رابطه با چند قدرت است.

اخیراً توجه اقتصاددانان به این نکته جلب شده که تولید فناوری‌های پیشرفته AI در تعداد محدودی از اقتصادها متمرکز است. آمریکا، چین و اتحادیه اروپا بخش اصلی نوآوری در مرز فناوری را در اختیار دارند. اما برای بهره‌مند شدن از هوش مصنوعی لازم نیست، کشوری خودش مدل‌های پیشرفته بسازد. اقتصاددانان، اکوسیستم AI را به سه لایه تقسیم می‌کنند: تولیدکنندگان فناوری در مرز دانش، تأمین‌کنندگان زیرساخت و زنجیره عرضه و استفاده‌کنندگان. دو گروه دوم بسیار گسترده‌ترند. یک کارخانه در امارات، ترکیه یا مالزی لازم نیست ChatGPT با یک مدل زبانی بزرگ بومی بسازد تا از انقلاب AI بهره ببرد. کافی است به تراشه، نرم‌افزار، خدمات ابری، ماشین‌آلات هوشمند، داده و دانش فنی دسترسی داشته باشد و بتواند آنها را در فرآیند تولید خود به کار گیرد. همین‌جاست که «اتصال» تبدیل به سرمایه اقتصادی می‌شود. شبیه‌سازی نويسندگان نشان می‌دهد در سناریوی پایه، گسترش AI می‌تواند، تولید ناخالص داخلی جهان را نسبت به خط مبنا ۱۰۶۴ درصد افزایش دهد. افزایش برای آمریکا ۲۰۲۸ درصد، چین ۱۰۸۷ درصد و اتحادیه اروپا ۱۰۹۳ درصد است؛ اما حتی بقیه جهان نیز حدود ۰۰۰۹۴ درصد منفعت می‌برد. این اعداد پیش‌بینی نیستند بلکه نتایج یک سناریوی مدل‌سازی‌شده‌اند که اهمیت انتشار فناوری از طریق شبکه‌های تولید را نشان می‌دهند. بنابراین نوآوری ممکن است در کالیفرنیا یا چین اتفاق بیفتد اما منفعت آن می‌تواند، هزاران کیلومتر دورتر ظاهر شود. شرط اصلی، اتصال است. اما حالا اگر اقتصاد جهان دوباره شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ نويسندگان از چیزی شبیه «المایات دوگانه» گسست ژئواکونومیک سخن می‌گویند.

نخستین هزینه مستقیم است. تعرفه‌ها، محدودیت صادرات، کنترل سرمایه‌گذاری، ممنوعیت انتقال برخی فناوری‌ها و محدودیت جریان داده، باعث می‌شوند دسترسی کشورها به فناوری گران‌تر و دشوارتر شود. اما هزینه دوم شاید مهم‌تر باشد. گسست می‌تواند خود سرعت نوآوری را کاهش دهد؛ زیرا همکاری دانشمندان کمتر می‌شود، بازارها کوچک‌تر می‌شوند و جریان دانش و نهادهای مکمل محدود می‌شود. اگر فقط تجارت دچار گسست شود، منفعت جهانی AI از ۱۰۶۴ به ۱۰۴۹ درصد کاهش پیدا می‌کند. اما اگر گسست سرعت پیشرفت فناوری در کشورهای پیشرو را نیز کاهش دهد، منفعت جهانی به ۱۰۲۹ درصد می‌رسد. جنگ اقتصادی بنابراین فقط تعیین نمی‌کند چه کسی تراشه را به چه کسی بفرشد؛ می‌تواند، سرعت حرکت کل مرز فناوری را کاهش دهد. اما جذاب‌ترین قسمت مطالعه برای اقتصادهایی شبیه کشورهای خاورمیانه، مقایسه دو راهبرد است: انتخاب یک بلوک یا تبدیل شدن به رابط میان بلوک‌ها. اقتصاددانان مشخصاً اقتصادهای خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان را بررسی می‌کنند. بسیاری از این کشورها هم‌زمان با آمریکا، اروپا و چین روابط تجاری و سرمایه‌گذاری دارند. همین تنوع رابطه در شرایط تشدید رقابت ژئوپلیتیک می‌تواند یک دارایی باشد. نتایج مدل نشان می‌دهد انتخاب اجباری یک طرف، هنگامی که کشور را از تأمین‌کنندگان مهم طرف دیگر جدا کند، هزینه‌زاست. در مقابل، راهبرد «رابط» – یعنی کاهش موانع قانونی تجارت و فناوری با شرکای متعدد- در شبیه‌سازی حتی می‌تواند، زیان ناشی از گسست اقتصاد جهانی را بیش از اندازه جبران کند. این همان چیزی است که می‌توان ارزش اقتصادی بی‌طرفی شبکه‌ای نامید. کشور رابط لزوماً بی‌طرف سیاسی نیست. ممکن است شرک امنیتی آمریکا باشد اما روابط گسترده تجاری با چین داشته باشد. ممکن است از فناوری غربی

استفاده کند و هم‌زمان سرمایه چینی جذب کند. هنر سیاست‌گذاری این کشورها آن است که رقابت قدرت‌های بزرگ را تا حد ممکن به فرصت اقتصادی تبدیل کنند. در این چارچوب می‌توان رفتار کشورهایی مانند امارات را بهتر فهمید. چنین اقتصادی می‌کوشد هم‌زمان مرکز مالی، بندر تجاری، مرکز داده، مقصد سرمایه و محل استقرار شرکت‌های چندملیتی باشد. ارزش اصلی چنین مدلی از مالکیت منابع طبیعی فراتر می‌رود: دیگران برای ارتباط با یکدیگر از اقتصاد آن کشور عبور می‌کنند.

تناقض ایران

این بحث برای ایران معنای متفاوت و حتی تلخی دارد. ایران از نظر جغرافیا تقریباً تمام ویژگی‌های بالقوه یک «کشور رابط» را دارد. در جنوب به خلیج فارس و دریای عمان دسترسی دارد، در شمال به دریای خزر می‌رسد، میان آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و شبه‌قاره قرار گرفته و در مسیر بالقوه کریدورهای بزرگ تجاری واقع شده است. اما اتصال اقتصادی فقط جغرافیا نیست. اتصال به بانک، بیمه، سرمایه خارجی، فناوری، اینترنت، استانداردهای بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و شبکه‌های پرداخت نیز نیاز دارد. کشوری ممکن است روی بهترین چهارراه جغرافیایی جهان قرار گرفته باشد اما اگر انتقال پول به آن دشوار باشد، شرکت خارجی نتواند ریسک فعالیت در آن را بپذیرد و دسترسی آن به فناوری‌های پیشرفته محدود باشد، جغرافیا به‌تنهایی مزیت تولید نمی‌کند. تحولات اخیر این مسئله را برجسته کرده است. فشار آمریکا دیگر فقط متوجه شرکت‌های ایرانی نیست؛ شبکه‌های واسطه‌ای که ایران را به اقتصاد جهان متصل می‌کنند نیز هدف قرار گرفته‌اند. تحریم تازه یک بانک ترکیه‌ای به اتهام تسهیل انتقال درآمد نفت ایران از چین نمونه روشنی است: هدف، قطع همان «اتصال» است. کاهش شدید صادرات نفت نیز روی دیگر همین مسئله است. داده‌های گزارش شده در روزهای اخیر نشان می‌دهد، بارگیری نفت خام ایران از حدود ۲ میلیون بشکه در روز در ماه مارس به حدود ۲۲۰ تا ۲۵۵ هزار بشکه در روز در آگوست سقوط کرده است. نتیجه فقط کاهش درآمد نفت نیست؛ محدود شدن دسترسی اقتصاد به ارز و شبکه تجارت جهانی است.

قدرتی به‌نام اختیار

کشوری که فقط یک تأمین‌کننده فناوری، یک خریدار نفت، یک مسیر مالی یا یک شریک تجاری اصلی دارد، در ظاهر رابطه‌ای محکم دارد اما در واقع آسیب‌پذیر است. کافی است آن مسیر مسدود شود تا کل اقتصاد تحت‌فشار قرار گیرد. اما کشوری که با چین، آمریکا، اروپا، هند و همسایگان خود رابطه دارد، گزینه‌ای بیشتری دارد. اگر یک زنجیره عرضه مختل شود، مسیر دیگری وجود دارد. اگر سرمایه‌گذاری از یک کشور کاهش یابد، سرمایه‌گذار دیگری ممکن است، جای آن را بگیرد. در جهانی که رقابت آمریکا و چین احتمالاً ادامه خواهد داشت این اختیار خود به نوعی سرمایه تبدیل می‌شود. به همین دلیل شاید تقسیم‌بندی آینده اقتصاد جهان فقط میان «آمریکا و چین» یا «شرق و غرب» نباشد. گروه سومی نیز اهمیت پیدا می‌کند: کشورهایی که مهارت اصلی‌شان حفظ ارتباط با هر دو طرف است. برای ایران درس این تحول بسیار مهم است. در اقتصاد قرن بیست‌ویکم قدرت فقط از نفت، جمعیت، وسعت سرزمین یا موقعیت جغرافیایی حاصل نمی‌شود. قدرت از تعداد درهایی می‌آید که یک کشور می‌تواند، باز نگه دارد. کشورهای میانی اگر بتوانند هم‌زمان به سرمایه غربی، بازار چینی، فناوری جهانی و زنجیره‌های تولید منطقه‌ای متصل بمانند، ممکن است از رقابت قدرت‌های بزرگ منفعت ببرند. اما کشوری که گزینه‌هایش یکی پس از دیگری محدود شود، حتی با بهترین جغرافیا، ممکن است از چهارراه اقتصاد جهانی به حاشیه آن رانده شود. شاید به همین دلیل، مهم‌ترین پرشش برای ایران در جنگ اقتصادی آمریکا و چین این نباشد که «طرف کدام قدرت بایستیم؟» پرشش بنیادی‌تر این است که چگونه دوباره به اقتصادی تبدیل شویم که هر دو طرف برای ارتباط با آن منفعت داشته باشند؟

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای ۵۹۷/۳۰۰۰۳۰۹۰۰۵۶۰۱۴۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۶ ۱۴۰۵/۰۲/۰۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک کلاس۹۱۳۴۹/۳۰۰۰۳۰۱۱۴۴۰۹۰۰۴۱ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای/خانم بابرامعلی حیدر نژاد فرزند ارشد به شماره شناسنامه ۳ و کد ملی ۴۸۹۸۹۰۲۵۳۷ صادره از ساوجبلاغ در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۶۸/۵۵ متر مربع از پلاک ۱ اصلی واقع در بخش ۱۶ قزوین حوزه ثبت ملک آبیک می باشد. احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند ، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

شناسه آگهی: ۲۲۶۸۹۹۵

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

علی مافی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آبیک

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۱۰۱۱۷/۳۱۰۴۵۶۰۳۱۰۵۶۰۱۴۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲ ۱۴۰۵/۰۲/۰۳ در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه موسی تقوی فرزند حسن به شماره ملی ۲۱۶۱۳۲۵۲۴۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به پلاک ۵۳۹ فرعی به مساحت ۲۲۳۷،۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۵- اصلی واقع درقریه بخش لاله مرز و پنبه زار کتی ثبت ساری لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۴۹۰۴۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

یاسر ملکی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۱۳۰۸۹/۳۱۰۴۵۶۰۳۱۰۵۶۰۱۴۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه علی اصغر رحمانی علیزاده سمسکنده فرزند مهدی به شماره ملی ۲۰۹۰۲۱۸۳۵۵ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به پلاک ۱۴۹۹۷ فرعی به مساحت ۲۰۷۶۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۲- اصلی واقع درقریه نومل بخش ۴ ثبت ساری لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۴۹۰۵۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

یاسر ملکی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

تداوم خاموشی‌ها

با اینکه وزیر نیرو از پایان خاموشی‌ها سخن گفته بود اما همچنان برق منازل قطع می‌شود

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



فقط ۲۴ ساعت طول کشید تا وعده پایان خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده با واقعیت «برق‌من» روبه‌رو شود. یک روز پس از آنکه وزیر نیرو از عبور کشور از یک مصرف و توقف قطعی‌های برنامه‌ریزی‌شده گفت، جدول خاموشی‌ها همچنان مقابل چشم شهروندان قرار داشت؛ روایتی که خیلی زود با توضیح تازه وزیر و هشدار معاون او درباره احتمال خاموشی در زمستان تکمیل شد.

یک‌شنبه ۱۵ شهریور عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، مقابل دوربین‌های تلویزیونی از عبور کشور از یک مصرف برق و توقف قطعی‌های برنامه‌ریزی‌شده، سخن گفت. برای جامعه‌ای که هفته‌ها با خاموشی‌های منظم و نامنظم دست‌وپنجه نرم کرده بود این سخنان معنای روشنی داشت: تابستان سخت پشت پشت سر گذاشته شده و قرار است خاموشی‌ها متوقف شوند.

اما دیروز، مراجعه به سامانه «برق‌من» تصویر دیگری نشان می‌داد. جدول خاموشی‌ها حذف نشده بود و قطعی برق در برخی مناطق نیز ادامه داشت.

توضیح وزیر نیرو این بود که او نگفته، خاموشی‌ها تمام شده‌اند؛ تنها گفته، کشور از تابستان عبور کرده است. در ادامه، مصطفی رحبی‌مشهدی، معاون وزیر نیرو و مدیرعامل توانیر، صریح‌تر سخن گفت: تاریخی برای پایان خاموشی‌ها اعلام نمی‌شود و حتی احتمال دارد در زمستان نیز برق قطع شود.

در فاصله ۲۴ ساعت، یک وعده، به یک توضیح و سپس به یک هشدار تبدیل شد. اما اهمیت ماجرا فقط در تناقض میان دو اظهارنظر نیست. مسئله مهم‌تر این است که چرا عبور از تابستان، برخلاف تصور معمول، به‌معنای عبور از بحران برق نیست؟

بحران برق با زمستان تمام نمی‌شود

برای سال‌ها، تصویر غالب از بحران برق در ایران ساده بود: هوا گرم می‌شود، کولرها روشن می‌شوند، مصرف بالا می‌رود و شبکه تحت‌فشار قرار می‌گیرد. بنابراین طبیعی به‌نظر می‌رسید که با کاهش دمای هوا، فشار از روی شبکه نیز برداشته شود. اما ساختار انرژی ایران چنین رابطه ساده‌ای ندارد.

بخش عمده برق کشور در نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شود و این نیروگاه‌ها به گاز وابسته‌اند. در زمستان، درست زمانی که نیاز به برق برای سرمایش کاهش پیدا می‌کند، مصرف گاز خانگی و تجاری افزایش می‌یابد. در نتیجه نیروگاه‌ها برای دریافت گاز با محدودیت مواجه می‌شوند. اینجاست که ناترازی گاز خود را در شبکه برق نشان می‌دهد.

نیروگاه‌هایی که با کمبود گاز مواجه می‌شوند، می‌توانند به سمت سوخت‌های مایع مانند گازوئیل و مازوت بروند اما این راه‌حل نیز ظرفیت نامحدود ندارد. تأمین، ذخیره‌سازی و انتقال سوخت مایع برای تمام نیروگاه‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست و محدودیت در هر بخش می‌تواند، بخشی از ظرفیت تولید را از مدار خارج کند. به این ترتیب، خاموشی زمستانی لزوماً نتیجه افزایش مصرف برق نیست؛ ممکن است نتیجه کمبود سوخت نیروگاه‌ها باشد.

این تنها مشکل نیست. نیروگاه‌های فرسوده، راندمان پایین بخشی از واحدهای تولید، کمبود سرمایه‌گذاری برای ایجاد ظرفیت جدید، مشکلات شبکه انتقال و توزیع و کاهش تولید برق‌آبی در نتیجه خشکسالی همگی حاشیه اطمینان شبکه را کاهش داده‌اند. آسیب‌های وارد شده در جنگ ۴۰ روزه و جنگ‌های اخیر نیز به زیرساخت‌های انرژی نیز در برخی نقاط بر دشواری بازگشت شبکه به وضعیت پایدار اضافه کرده است.

حتی توسعه نیروگاه‌های خورشیدی نیز به تنهایی پاسخ این مسئله نیست. برق خورشیدی در طول روز تولید می‌شود اما با غروب آفتاب این منبع از مدار تولید خارج می‌شود و در ساعات شب، بار بیشتری بر منابع حرارتی و سایر منابع قابل

اتکا قرار می‌گیرد.

بنابراین شبکه برق ایران نه با یک مشکل منفرد بلکه با زنجیره‌ای از محدودیت‌ها مواجه است؛ زنجیره‌ای که از تأمین سوخت نیروگاه شروع می‌شود و تا تولید، انتقال و توزیع برق ادامه پیدا می‌کند.

خاموشی چگونه وارد زندگی روزمره شده است؟

برای شهروندان، اما، این پیچیدگی‌های فنی در نهایت به یک اتفاق ساده تبدیل می‌شود: برق می‌رود.

پشت هر قطعی چند ساعته، می‌تواند یک کارگاه کوچک متوقف شود، یک نانوا یا ادامه فعالیت باز بماند، فروشگاه‌ها با اختلال در تجهیزات مواجه شود یا کسب‌وکاری که به اینترنت وابسته است عملاً از کار بیفتد.

برای کسب‌وکارهای بزرگ، خاموشی ممکن است یکی از هزینه‌های عملیاتی باشد؛ اما برای بسیاری از واحدهای کوچک همان چند ساعت می‌تواند به معنای از دست رفتن درآمد یک روز، آسیب به تجهیزات یا تحمیل هزینه تعمیر و تعویض باشد. این هزینه زمانی سنگین‌تر می‌شود که قطعی‌ها تکرار شوند و زمان آنها نیز قابل پیش‌بینی نباشد.

خاموشی همچنین محدود به وسایل برقی خانه نیست. در مناطقی که سیستم آبرسانی به پمپ‌ها و ایستگاه‌های فشار وابسته است، قطع برق می‌تواند به اختلال در آب منجر شود. آسانسورها از کار می‌افتند و خدماتی که به تجهیزات الکتریکی وابسته‌اند، دچار اختلال می‌شوند. در زمستان نیز قطع برق می‌تواند برای خانوارهایی که به سیستم‌های گرمایشی برقی وابسته‌اند، مسئله‌ای جدی‌تر باشد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۱۳۰/۰۵۰۳/۱۳۸۰-۱۴۰۵۶۰۳۱۷۱۸۰۰۱۱۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اداره سه‌اهواز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قاسم داودی فرزند حبیب بشماره شناسنامه ۱۲۵۰ صادره از اهواز در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۳/۸۷ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۴۴۵ فرعی از ۱۱۲۹ اصلی واقع در بخش ۳ اهواز بنشانی نهضت آباد خیابان عملی خریداری از مالک رسمی آقای علی روهنده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه: ۲۲۶۹۸۵۱

(تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷)

(تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱)

رئیس ثبت اسناد و املاک اداره سه‌اهواز- فرهاد نصرت‌اله

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۱۲۹/۰۵۰۳/۱۳۸۰-۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۳۱۲۹ هیات اول کلاس ۱۴۰۴-۲۴۲۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی مهدی حسین زاده به شناسنامه شماره ۱۱ کدملی ۸۰۵۶۸۹۲۱-۰۹۰۲۳۰۵۹۲۱-۰۹۰۲۳۰۵۹۲۱ صادره کاشمر فرزند محمد در شش‌دانگ یکباب مرغداری به مساحت ۸۰۵۶۸۹ متر مربع پلاک ثبتی ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان‌رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی مهدی حسین‌زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م‌الف ۱۴۴۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

اصلاحی

برابر رأی شماره ۱۲۰۴۰۶۰۵۰۳/۰۵۰۳/۱۳۸۰-۱۳۸۹۷-۷۹ مربوط هیئت مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی ثبت کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نوراله حجی نیا فروتقه فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۸ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۸۸ متر مربع به شماره پلاک ۲۷۲۹ فرعی ۹۵۸ فرعی از ۵۸ اصلی بخش سه کاشمر خریداری از مالک رسمی محمد مهران محرز گردیده است و سند آن صادر و سپس در هیات نظارت استان خراسان رضوی مطرح و با توجه به اینکه در رأی فوق مساحت به اشتباه ۲۲۸۸ متر مربع قید گردیده بود که صحیح آن ۲۸۰۲ مترمربع میباشد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م‌الف ۱۷۱۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱ احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۸۲۷/۰۵۰۳/۱۳۸۰-۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۵۸۲۷-۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۵۸۲۷ هیات اول کلاس ۱۴۰۴-۲۳۱۴ و ۱۴۰۵-۵۳۸۸ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی میترا خجسته پور به شناسنامه شماره ۳۵۴۳ کدملی ۰۹۰۱۲۷۳۶۰۰-۰۹۰۱۲۷۳۶۰۰ صادره فرزند جواد و خانم رؤیا خجسته پور به شناسنامه شماره ۱۵۰۹۲۳۰۵۹۲۱-۰۹۰۲۳۰۵۹۲۱ صادره فرزند جواد هرکدام در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک واحد مرغداری به مساحت ۷۸۰۰ مترمربع پلاک ثبتی ۷۰ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۲ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی رویا خجسته‌پور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م‌الف ۱۷۱۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱ احمد جهانگیر-رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

سلامت

افزایش موارد کرونا در آستانه پایین

نگرانی از همزمانی کووید و آنفلوآنزا

با نزدیک شدن به فصل پاییز، موارد ابتلا به کرونا در کشور طی یک ماه اخیر افزایش یافته است؛ با این حال به گفته رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران، در حال حاضر نشانه‌ای از شکل‌گیری یک موج شدید کرونا دیده نمی‌شود. ایرج خسرونی‌ما می‌گوید، تعداد مبتلایان طی ۳۰ روز اخیر نسبت به ماه قبل افزایش داشته و افزایش سفرها و جابه‌جایی افراد نیز می‌تواند در انتقال بیماری‌های واگیردار نقش داشته باشد. همزمانی افزایش کرونا با آغاز فصل بیماری‌های تنفسی، احتمال شیوع آنفلوآنزا و سایر عفونت‌های تنفسی را نیز افزایش می‌دهد. گروه‌های پرخطر، ازجمله سالمندان و افراد مبتلا به بیماری‌های زمینه‌ای مانند دیابت، نارسایی کلیه، بیماری‌های ریوی، آسم و بیماری‌های قلبی بیشتر در معرض عوارض شدید قرار دارند. بیماران مبتلا به سرطان و افرادی که شیمی‌درمانی یا رادیوتراپی دریافت می‌کنند نیز در این گروه قرار دارند. یکی از چالش‌های مهم، پایین بودن مراجعه برخی مبتلایان به مراکز درمانی است. بسیاری از افراد با تصور ابتلا به سرماخوردگی یا آنفلوآنزای خفیف در خانه، خوددرمانی می‌کنند و در نتیجه در آمارهای رسمی ثبت نمی‌شوند. خسرونی‌ما همچنین افزایش هزینه ویزیت، دارو و آزمایش را از عواملی می‌داند که باعث شده برخی بیماران مراجعه به پزشک را به تعویق بیندازند؛ مسئله‌ای که در مواردی می‌تواند به پیشرفت بیماری و نیاز به بستری منجر شود. پزشکان بر رعایت نکات بهداشتی در محیط‌های شلوغ و بسته از جمله مترو، اتوبوس، مدارس و محیط‌های کاری تأکید دارند. تهویه مناسب، استفاده از ماسک در صورت داشتن علائم تنفسی و کاهش تماس نزدیک با دیگران از توصیه‌های مطرح‌شده است. همچنین نیمه نخست شهریور زمان مناسبی برای تزریق واکسن آنفلوآنزا عنوان شده و سالمندان، کودکان و افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای در اولویت واکسیناسیون قرار دارند.

